

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۸ مارچ ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۲۴۷

مُلحدنامه

- ۱۳ -

داستان سهرابِ کُرد

ز اکراد^۱ ماروس^۲، خیل عظیم
یکی مرد بود کُرد، سهراب نام
جوانی تنومند، چون پیل مست
چو خرطوم پیلش ستونی به زیر
ز سر تا به بن همچو شاخ درخت
شب و روز با جامه، اندر ستیز
ز عیش زنان بود، آبیچیده سر
به ترشیز بودند آنکه مقیم
بدان فرقه سرخیل و برتر مقام
به سان دو شاخ چنارش دو دست
ز جنبش نیاسوده یک دم چو شیر
چو بیخ درختانش، رگهای سخت
وزو زیر جامه شده، ریزریز
طلبگار کون بود و زیباپسر

^۱ - "اکراد": جمع عربی "کُرد"، چنان، که "اتراک" جمع عربی "تُرک" باشد - چنین جمع بستن برای دری زبانان قبیح است، مگر بر ضرورت شعری
^۲ - "ماروس" قریه ای بوده در حوالی نیشاپور

ولی هرکه یک بار، بارش کشید
کسی را، که یک بار آورد، زیر
هران کون که مانند دروازه بود
همه کون فروشان ازو، رم زده
زنان کس انبان جوینده کیر
چو سرخیل کون پارگان زمن
دلش مایل کیر سهراب گشت
درین آرزو روزگار مدید
همه روز و شب، با دل ناتوان
همان دم اجل، زیر بارش کشید
نُردی به گیتی، دگر نام کیر
به پیشش به سان کس تازه بود
ز جورش خر و اسپ، ماتم زده
گریزان ازو همچو روبه ز شیر
خبر یافت، زان خرزه خرشکن
تو گفتی، که این تشنه آن آب گشت
غم و محنت و رنج و حسرت کشید
بُدی این رباعیش، ورد زبان

^۳ - "پیچیده سر": ترکیب وصفی ست و به کسی اطلاق گردد، که از کاری سرپیچی کند
^۴ - "زمن"؛ یعنی "زمان" و "زمانه" یا "روزگار"